

سخنی از علامه امینی

۲۱ شهریور ۱۳۹۴ ساعت ۱۹:۵۳

هدفی که بالاتر از لذایذ و امتیازات زندگی مادی آدمی است. جامعه ای که شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) را که همه گفتارها و کردارها و اندیشه هایش حق بوده، جدی نگیرد و موجودیت خود را به وسیله تعلیم و تربیت او تکامل نبخشد، بدیهی است با چه نتایجی مواجه خواهد گشت.

صفحه ایت الله بهجت با ارائه تصویر و سخنی از علامه جعفری نوشت: آری، بدون مبالغه و تأثرات از احساسات لذت بار ولی بی اساس و زودگذر، با کمال صراحت و جدیت می‌گوییم: طرز تفکرات و رفتار امیرالمؤمنین(ع) در ارتباطات چهارگانه: ۱- ارتباط انسان با خویشتن ۲- ارتباط انسان با خدا ۳- ارتباط انسان با جهان هستی ۴- ارتباط انسان با ممنوع خود، از بهترین دلایل اثبات هدفدار بودن هستی و انسان است؛ هدفی که بالاتر از لذایذ و امتیازات زندگی مادی آدمی است. جامعه ای که شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) را که همه گفتارها و کردارها و اندیشه هایش حق بوده، جدی نگیرد و موجودیت خود را به وسیله تعلیم و تربیت او تکامل نبخشد، بدیهی است با چه نتایجی مواجه خواهد گشت. اگر بشریت با این قیافه ملکوتی از نزدیک آشنا بود و از تعلیم و تربیت او برخوردار می‌شد، امروزه کمال او به کجا رسیده بود؟

زندگی بدون نظم، مساوی زندگی بی قانون و اصل است که مساوی بی هویتی زندگی است. روشن ترین و محکم ترین دلیل بر ضرورت نظم در زندگی، قانون مندی همه اجزاء کوچک و بزرگ جهان هستی است که زندگی آدمی هم یکی از آن هاست. کسی که انتظار دارد می‌توان زندگی را بدون نظم سپری کرد، در حقیقت منکر قانون حاکم بر هستی بوده، هیچ چیز را شرط هیچ چیز نمی‌داند! این، همان کوری است که با وجود آن، امکان دیدن و دانستن هیچ چیزی وجود ندارد. به جرأت می‌توان گفت:

نیرومندترین عامل تخریب زندگی - چه فردی و چه اجتماعی - همین بی‌اعتنایی به نظم است که معلول جهل یا بی‌اعتنایی به قانون مندی حیات است که جزئی بسیار با اهمیت از کیهان منظم و قانون مند است. من گمان نمی‌کنم... آن چه موضوع بحث و بررسی ماست، این است که: آیا این تفسیرکنندگان می‌توانند خود را مجاز بدانند پرونده انسان را در آن انعکاسات و مکانیسم خلاصه نموده و حقیقتی را به نام انسانیت، از انسان‌ها منهای کنند؟! یا آن اندازه بی‌اهمیت تلقی کنند که گویی چنین حقیقتی وجود ندارد؟! من گمان نمی‌کنم آن مغزهای مقتدر که در قلمرو علوم انسانی به آن همه معلومات مفید دست یافته اند، خود را برای نفی انسانیت انسان مجاز بشمارند. ما به عنوان نمونه، حدود نهصد و پنجاه مشخصه انسانی را در جلد اول ترجمه و تفسیر نهج البلاغه متذکر شدیم و اثبات کردیم هیچ ماشینی اگرچه به عظمت نهایی برسد، نمی‌تواند دارای آن مختصات باشد

علامه محمد تقی جعفری (رضوان الله علیه

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۵۳۷۷/امینى-علامه-سخنپ/>